

وطن

در مملکت ما بر خلاف سایر ممالک وطن پرستی يك شغل معینی است. ها نطور که میگویند فلان اقا نجار ، ساعت ساز یا کفش دوز است ، همان قسم هم میگویند فلان کس وطنپرست یا ایران دوست است ! وطنپرستی يك کسب معینی شده که جمعی امور معاش خود را از برکت آن اداره میکنند . بعضی دیگر هم که انقدر ها جالاک و ماهر نیستند تا اساس زندگانی خود را بروی کسب وطنپرستی بگذارند این اسم را وسیله پیشرفت کسب حقیقی خود کردند ! در دکان فلان کفش دوز هر روز ازدهایی است . گروهی بیکاره جمع میشوند صحبت از معاهدات دول ، مسائل اجتماعی و سیاسی میکنند و باین طریق از کفش دوز هم معروف میشود و هم میتواند کفش جفتی دو تومان خود را پنج تومان بفروشد . چه بهتر از این ؟ راست است گاه گاهی بعضی از وطنپرستان دیگر از او يك جفت کفش نسیمه خریده پولش را میخورند ولی در راه وطن این چیزها انقدرها اهمیت ندارد خصوصاً که انوقت انسان وزیر شناس میشود ، با وکلا رابطه پیدا میکند و میتواند صد برابر تلافی از يك جفت کفش را در آرد ! پس وطنپرستی در ایران اسباب دخل خوبی است و هر کس حق دارد وقتی اسم وطن برده میشود مانند ناودان اشك از چشمهایش جاری کند ! حقیقت هم هر کس وطن پرست نباشد خائن است چون بحیب خود ضررهای عمده وارد میآورد و کم کم مردم از او متنفر میشوند و میگویند

این شخص خیلی « بی حس و بیخون » است . از اینرو وطن پرستی میان مردم يك دردی شده که علاجش واجب است . امروز با هر کس گفتگو میکنید سیاسی میباشد ، اظهار رای در مسائل حقوقی و اجتماعی میکند ، خرده بر بزرگان عالم میگیرد و تمام اینها را فریضهٔ وطنپرستی میدانند و گمان میکنند که اگر کسی « فضول اقا » نباشد وطن پرست نیست . امروز چندین هزار نفر از همین راه در ایران مخصوصاً در طهران نان میخورند و امور خود را بخوشی میگذرانند ! گفتیم اینگونه و نه وطن پرستی هم يك وسیلهٔ دخل است . و هم يك گونهٔ مرضی که در میان مردم شایع شده . بدیهی است امروز که هزاران قسم مفتخوار از قبیل ، مملک ، داعی ، خان ، والا ، رمال ، فالگیر ، مرشد ، وغیره و غیره بجان يك دشت زارع بدبخت و آهنگر بیچاره افتاده خون آنان را به هزاران گونه میمکنند نباید يك دوسه طبقه دیگر از قبیل و مانپرست ، ایران دوست ، معارفخواه ، فیلسوف هنرپیشه ، شاعر شیرین کلام ، ارباب قلم با آنها افزود تا يك مرتبه اینقوم را نابود کنند . زود متغیر نشوید مقصود من توهین به هیچ يك از این طبقات نیست در يك مملکت هم فیلسوف لازم است و هم شاعر ، و وطن پرستی هم وظیفهٔ هر کس است ولی هیچ يك از این اسامی را نباید وسیلهٔ حقه بازی ، کلاه برداری ، جاه طلبی قرار داد . وقتی بنا شود تمام شاگردانیکه از مدارس ابتدائی یا برفرض متوسطه بیرون آیند خود را ادیب و فیلسوف بدانند و چند تومان کتاب از اینطرف و آنطرف خریده شبها وقت را بقول خودشان صرف « تتبع » نمایند و بخوانند از همینراه امور معاششان را بگذرانند و در انتظار اقران یا عوام خود را عالم و فیلسوف قلم دهند و بالاخره

معلومات خود « باد کنند » و غرور بفروشد حتی گفتار کسانی که
عمر خود را صرف ادبیات، فلسفه، علوم اجتماعی و غیره نموده برد
کنند، و هرگاه جمعی وظیفه خود را « وطنپرستی » نموده از این
راه بخواهند خوش باشند و این عرض تا طبقه کارگر هم اثر کند
انوقت بایست بدور ترقی و آبادی آن مملکت قلم کشید چه، از ترس
ان صدعیان بیباک، ادبای حقیقی، فلیسوفان عالیقدر کسانی که حقیقه
زحمت کشیده و چیزی آموخته اند مجبور خواهند شد در گوشه خود
را پنهان کنند و وطنپرستان حقیقی خود را نشان ندهند تا مباداً
مورد مسخره این و آن گردند.

من دشمن اینگونه وطن پرستی و معارف پروریم چه هرگاه مورد
ازمایش برسد و وقت امتحان نزدیک شود همان اقا می که بیشتر از همه
برای وطن سینه میزنند، همان کسی که خود را در هر ساعت (فقط بقول)
فدای وطن میکند اول کسی است که پایتفرار میکند، اول شخصی
است که از میدان میگریزد و هرگاه منفعت را در خیانت مملکت
خود بداند دریغ نخواهد داشت چون از وطن پرستی چیزی فهمیده
بود و فقط برای دخل این اسم را می پسندید حال که دخل را در طرف
مخالف می بیند با نظری می گردد. اگر کسی بفهمد معنی وطن چیست
و وظایف و تکالیف او نسبت بوطن کدام است ابتدا از راه راست خارج
نمیشود و خود را از صمیم قلب فدا میکند. ایرانیان قوم مقلدی
هستند، هرکاری را میخوانند از روی تقلید بکنند و وطنپرستیشان
هم تقلیدی است ولی چون حقیقت را فهمیدند زیر پایشان سست
است و مانند خارجیان که حقیقه معنی وطن را دانسته و وظیفه خود را

صمیمانه انجام میدهند نیستند مقصود اینکه فقط تقلید ظاهر را نمودند نه باطن . بدیهی است مقصود من و وطنپرستان حقیقی نیست بل منظور اکثریت است که در دریای جهل و تقلید ، خودپسندی و بیعاری غوطه ورنند اجمعی دیگر هستند که وطن را تا اندازه دوست میدارند که بخودشان ضرری وارد نیاید ولی همینکه دیدند جان یا مال در خطر است و باید چیزی بدهند آنوقت در گوشه نشسته فقط برای وطن گریه میکنند و دیگران را تشویق بمعادت مینمایند . حکایت اینگونه وطن پرستان درست حکایت آن اعرابی است که دیدندش بر سگ خود که از گرسنگی میمرد زار زار میگریست گفتندش از آن آردی که در انبان داری قدری خمیر کن و به او ده تا بل که از مردن نجات یابد . بتضرع جواب داد اری سگ را بسیار دوست دارم ولی نه آنقدر که از آرد خمیر خود باو بدم ! بسیاری از ایرانیان هم همین حال را دارند در مواقع گریه و سوگواری گمان نمیکند در تمام عالم قومی باین مهارت باشد چنین کردن را خم ، دستها را مظلومانه دراز ، صدرا تحیف ، صورت را عبوس میکنند که گوئی خبر مرگ پدرشان را آوردند و حقیقه در دل دردی دارند ولی همینکه لازم میشود دست بکلیشه فرمایند آنوقت بهانه ها آورند عذرها میتراشند تا خود را خلاص کنند . خاطر دارم یکوقت در ایام انقلاب یکی از همین « فکلیها » در مسجد شاه مردم را تشویق بدفاع از وطن میکرد . ناگاه یقه را خود را پاره کرده و کلاه را بدور انداخته بنا کرد بگریه کردن حالت غریبی بنماشایان بیکاره دست داد ! پس از چند روز مطلب معلوم شد که اقا جاسوس اجنبی است . عجالة ما کار باین خائنین وطن نداریم مقصود ما ان اشخاصی است

که خود را وطن پرست میدانند تا بان حدی که بجان یا بکیسه مبارک
ضرری وارد نیاید. پس وقتی اکثریت وطنپرستان يك مملکت یا از
برای دین، منفعت، جاه، منصب و وطنپرست شده باشند و یا
وطنپرستیشان فقط بآن حدی باشد که ضرر بکیسه وارد نیاید باید
بدور ابادی آن کشور قلم کشید. بعقیده من، وطن پرستی برای نفع
شخصی، وطن پرستی فقط بقول، وطن پرستی از روی جهالت و
نادانی خطر بزرگی است برای يك مملکت. چون آنان مانع هر گونه
ترقی و سد راه هر قسم پیشرفتینند. روئیدن این گونه گیاههای مضر
در پیشه ایران چندین علت دارد: (۱) معلومات سطحی و اثر سوء
جراید محلی (۲) فقر عمومی و نبودن کار و کسبی (۳) اخلاق خودمان
که بکلی وسالها است فاسد شده (۴) رشوه که مردان راهم آبتن میکند.
(۵) بعضی آداب و عادات.

هر يك از این علل برای خرابی يك مملکت کافی است و وای بحال
ان قومی که تمام این دردهای بیدرمان در آو جمع است. تا کاری از
برای مردم پیدا نشود، تا اخلاق، آداب و عادات تغییر نکند، تا عده
جوانان حقیقه تحصیل کرده و تجربه اموخته زیاد نشود، تا رشوه ده
و رشوه گیر را خفیف و خجیل نکنند تا بملت معنی وطن و وظایف
وطنی را نیاموزند ممکن نیست عده فداکاران حقیقی از يك نفر دريك
کرور زیاد تر شود. اگر خوب در این علل عمیق شویم خواهیم دید
بعضی از آنها مربوط به بعض دیگر است. مثلاً اگر اخلاق ما خوب
بشود رفع رشوه خواهد شد ولی تهذیب اخلاق ما بسته به تغییر آداب و

که شاکرد خیال میکند دیگر همه چیز فهمیده و باید از این راه ناز
بخورد .

بیش از این در اینخصوص اصرار نمیکنیم و البته معاین محترم
این مطلب را در یافته اند که تنها امید ایران همانا شاگردان مدرسه
هستند که بایست در تربیتشان سعی بلیغ شود . مقصود ما از این مقاله
این بود که جهل و نادانی از یکطرف و معلومات سطحی گروهی از
طرف دیگر روح شجاعت و شهامت که ایرانیان قدیم همواره بر آن
موصوف بودند از میان برده و جز حرف و کلمات « وطن عزیز »
« ملت محبوب » « دولت وقت » چیز باقی نمانده است .

ما اباس این مجله را در روی بنای عالی وطنپرستی گذاشته حتی
المقدور کوشش میکنیم که معنی ، وطن ، ملیت ، قوم ، نژاد و غیره
را بیان کرده تکالیف و وظایف ملی و وطنی را برشته تحریر در آوریم
تا معلوم شود دکانداری وطن پرستی نیست و هر اوباش را وطن
دوست نتوان خواند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی